



۱. و توهم: کون الشکّ فی بقاء الکلیّ مسبباً عن الشکّ فی حدوث الخاصّ المشکوک حدوثه، المحکوم بعدم الحدوث بأصالة عدمه، فاسد؛ لعدم کون بقائه و ارتفاعه من لوازم حدوثه و عدم حدوثه، بل من لوازم کون الحادث المتیقّن ذاک المتیقّن الارتفاع أو البقاء. ص ۲۳۲/متوسط

(الف) اشکال فوق به استصحاب کلی قسم دوم را توضیح دهید.

(ب) پاسخ مصنف (مذکور در متن فوق) به این اشکال چیست؟

۲. أنّه كما لا إشکال فی ما إذا کان المتیقّن حکماً فعلياً مطلقاً، لا ینبغی الإشکال فی ما إذا کان مشروطاً معلقاً. و توهم: أنّه لا وجود للمعلق قبل وجود ما علقّ علیه، فاختلف أحد رکنیه، فاسدٌ جداً. ص ۲۳۹-۲۴۰/متوسط

(الف) در ضمن یک مثال، چگونگی اجرای استصحاب تعلیقی را بیان کنید.

(ب) پاسخ اشکال مذکور در متن به استصحاب تعلیقی را بنویسید.

۳. إنّما الإشکال فی ترتیب الآثار الشرعیة المترتبة علی المستصحب بواسطة غیر شرعیة... والتحقق: أنّ الأخبار إنّما تدلّ علی التعبد بما کان علی یقین منه فشک... ص ۲۴۴-۲۴۵/متوسط

(الف) محل بحث در مسأله‌ی اصل مثبت کجاست؟

(ب) مفاد اخبار استصحاب، در باب اصل مثبت چیست؟ توضیح دهید.

۴. أنّه لا یذهب علیک: أنّ عدم ترتب الأثر غیر الشرعی بالاستصحاب، إنّما هو بالنسبة إلى ما للمستصحب واقعاً، لا بالنسبة إلى ما کان للأثر الشرعی مطلقاً... و أمّا التئی... ص ۲۴۹/مشکل

با توجه به متن فوق و ذکر مثال مناسب، توضیح دهید که آیا آثار غیر شرعی بر استصحاب مترتب می‌شوند یا خیر؟

۵. و أمّا الأمور الاعتقادیة التئی کان المهمّ فیها شرعاً هو الانقیاد و التسلیم و الاعتقاد - بمعنی عقد القلب علیها - من الأعمال القلیبیة الاختیاریة، ... اما التئی کان المهمّ فیها شرعاً و عقلاً هو القطع بها و معرفتها ... ص ۲۵۶/آسان

(الف) دو قسم از امور اعتقادی که در متن به آن‌ها اشاره شده را بنویسید.

ب) حکم جریان استحباب در هریک از دو قسم را بنویسید. (توضیح لازم نیست).

۶. النسبة بين الاستصحاب و سائر الأصول العمليّة، هي بعينها النسبة بين الأمانة و بينه، فيقدّم عليها، و لا مورد معه لها؛ للزوم محذور التخصيص إلا بوجهٍ دائرٍ في العكس، و عدم محذور فيه أصلاً.

ص ۲۶۷/متوسط

در صورت تقدّم اصول عملیه‌ی شرعیّه بر استحباب چه محذوری پیش خواهد آمد؟ (توضیح دهید. ترجمه نمره ندارد.)

۷. التعارض هو: تنافی الدليلين أو الأدلة - بحسب الدلالة و مقام الإثبات - على وجه التناقض أو

التضادّ حقیقة، أو عرضاً... و عليه، فلا تعارض بينهما بمجرد تنافی مدلولهما... ص ۲۷۵/آسان

الف) برای هریک از صور تناقض و تضاد حقیقی و عرضی مثالی ذکر کنید.

ب) یک مثال برای صورتی ذکر کنید که بین "مدلول" دو دلیل تنافی هست ولی متعارضان نیستند.

۸. الف) به نظر مصنف، مقتضای اصل اولی و ثانوی در متعارضین چیست؟

ب) دلیل مصنف در مورد مقتضای اصل اولی چیست؟ ص ۲۸۰ و ۲۸۵/آسان

۹. هل على القول بالترجيح يقتصر فيه على المرجّحات المخصوصة المنصوصة، أو يتعدّى إلى غيرها؟

قیل: بالتعدّي؛ لما فی الترجیح بمثل الأصدقیّة و الأوثقیّة... و لما فی التعلیل ب: «أنّ المشهور ممّا لا

ریب فیّه»... ص ۲۹۴/متوسط

دو دلیل فوق، بر لزوم تعدی از مرجّحات منصوصه را تقریر کنید.

۱۰. أنّه إذا كان هناك عامّ و خصوصات، و قد خُصّ ببعضها، كان اللازم ملاحظة النسبة بينه و بين

سائر الخصوصات بعد تخصیصه به، فریماً تنقلب النسبة إلى عموم و خصوص من وجه.

ص ۳۰۳/متوسط

الف: مسأله‌ی «انقلاب نسبت» را با ذکر مثال توضیح دهید

موفق باشید

ب: نظر مصنف را درباره‌ی انقلاب نسبت را توضیح دهید.